

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۴۱

جمعه ۱۷ آبان ۱۳۹۸، ۸ نوامبر ۲۰۱۹

از تهران تا بغداد و بیروت: زنده باد اداره شورایی! (بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران)

مردم عراق و لبنان به خیابانها آمده اند تا سرنوشت خود را بدست گیرند و مردم ایران با اشتیاق اعتراضات قهرمانانه آنان را دنبال میکنند. این تحولی شورانگیز است که در برابر چشمان ما شکل میگیرد. از بیروت تا بغداد و تا تهران مردم علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی و برای نان و آزادی و برابری مبارزه میکنند و علیه همه دار و دسته های دزد و فاسد و جنایتکار حاکم شعار میدهند و در این میان اعتراض علیه جمهوری اسلامی و سیاست ها و ایادی اش جایگاهی برجسته دارد. مردم خواهان کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی و جریانات مشابه از زندگی شان هستند. شور و امیدی که اعتراضات اخیر مردم عراق و لبنان برانگیخته دلایل بنیادی تری هم دارد. این اعتراضات که مردم خود آنرا انقلاب می نامند، میخ آخری

بر تابوت سیستم ارتجاعی موسوم به دموکراسی موزائیکی، یا "دموکراسی فرقه ای" است. در این سیستم که بویژه بعد از حمله آمریکا به عراق دست بالا گرفت و ما از همان ابتدا آنرا افشاء و محکوم کردیم، مردم به فرقه ها و مذاهب و قومیت های گوناگون تقسیم میشوند و سپس نمایندگی آنها به روسا و شیوخ قوم و فرقه و مذهب مربوطه سپرده میشود. این سیستم که هویت انسانی و حقوق شهروندی افراد جامعه را مسخ میکند عملا میدان را برای تاخت و تاز ارتجاعی ترین نیروها از جمله سازمانها و جریانات دست ساخته جمهوری اسلامی باز کرد. سالها پیش در جریان "بهار عربی" جوانان غزه در مانیفست مشهور خود این سیستم را به صلابه نقد کشیدند و اکنون مردم در عراق و لبنان علیه آن انقلاب کرده اند.

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه ها در صفحات ۸، ۹ و ۱۰

پاسخ، انسانیت و مدنیت سوسیالیستی است مصاحبه با حمید تقوایی در مورد جنبش جاری در عراق



بهرام سروش: در سالهای گذشته ما شاهد اعتراضات متعددی از طرف مردم عراق علیه وضعیت موجود در آن کشور بوده ایم، که مشخصا وضعیت اسف بار معیشتی، بیکاری و نبود خدمات رفاهی و شهری و فساد مقامات دولتی را هدف قرار داده اند. آیا بنظر شما خیزش توده ای اخیر که از اوایل مهر ماه امسال در شهرهای عراق شروع شده ادامه آن اعتراضات است یا تفاوت های کیفی ای با آن اعتراضات دارد؟ اساسی ترین مشخصه این دور اعتراضات بنظر شما چیست؟

حمید تقوایی: این اولین بار نیست که مردم عراق علیه حکومت و کل وضعیت سیاسی فاجعه بار در آن کشور بپا میخیزند. اما خیزش جاری، هم از نظر گستردگی و تداوم آن و هم از لحاظ مضمون شعارها و

خواستها، کاملا ویژه و یک گام بزرگ بجلو است. مردم عراق بیش از یک ماه است ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران فورا باید به کمک زلزله زدگان در آذربایجان بشتابیم!

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

در حاشیه خیزش مردم عراق و لبنان

مردم عراق و لبنان وسیعا به خیابان آمده اند و با تظاهرات و اعتراض و شعار دادن و تجمع تلاش میکنند سیستم ضد انسانی و قومی و اسلامی حاکم را کنار بزنند و فضای سیاسی جامعه را به نفع خود عوض کنند. آنچه در عراق و لبنان شاهدیم گرچه با خواسته های ساده و روزمره ای ای شروع شد اما خیلی زود روشن شد که یک انقلاب و خیزش انقلابی علیه کل سیستم سیاسی فاسد و سکتی و قوم گرایانه ای است که در هر دوی این کشورها حاکم است. مردم به میدان آمده اند تا خود را از کل این سیستم عمیقا عقب مانده و سکتاریستی و قوم پرستانه و از شر سیاستمداران خودگمارده فاسد و جنایتکار و مرتجع و دزد خلاص کنند. دخالتگری و توطئه گری جمهوری اسلامی و دستجات مزدور وابسته به جناحهای اسلامی و مذهبی و قومی زندگی مردم را تباہ و سیاه کرده است و مردم مصممند این فضا را به نحو دیگری رقم بزنند. مردم عراق به کنسولگری جمهوری اسلامی

صفحه ۵

شهلا دانشفر

فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری نوزده آبان و یک نکته

صفحه ۶

حسن صالحی

نه به اعدام، نه به قصاص تجربه موفق نجات یک زندانی محکوم به اعدام

صفحه ۷

مصطفی صابر

"منشاء اصلی تحولات هر جامعه ای مبارزه طبقاتی در آن جامعه است"

صفحه ۸



برای بورژوازی در سطح جهانی بود. سیر قهقرائی عقب نشینی از جامعه مدنی به جوامع و حکومت‌های قومی - قبیله ای، و تاکید بر هویت‌های اتنیک - مذهبی نژادی بجای شهروندان متساوی الحقوق، نه تنها در خاورمیانه و "جهان سوم" بلکه حتی در خود جوامع غربی.

از لحاظ نظری دکترین پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی زمینه ساز این عقبگرد بود. عروج این دکترین - که سابقه آن به نیمه قرن گذشته بر میگردد - در قرن بیست و یکم از نظر اقتصادی در سطح بلامنازع سرمایه بر همه جای دنیا و از نظر سیاسی در شرایط دنیای بهم ریخته بعد از جنگ سرد ریشه داشت. (برای توضیح بیشتر در این زمینه خواننده مقاله "عروج و افول سکولاریسم: بررسی اقتصاد سیاسی نسبی گرائی و یونیورسالیسم" رجوع کند).

جنبش اسلام سیاسی و کلا دولتها و نیروهای سیاسی قومی - نژادی - مذهبی از این شرایط سر بر آورد. جمهوری اسلامی پیش کسوت این سیر قهقرائی بورژوازی - بومی و جهانی - و عراق نمونه متاخرتر و پسا جنگ سردی دموکراسی موزائیکی (رئیس جمهور کرد، نخست وزیر شیعه، و رئیس مجلس سنی) است. خیزش توده ای در

ادامه در صفحه ۳

دهشتناک بین کوه ثروت یک اقلیت ناچیز و دره فقر و عدم تامین اقتصادی اکثریت عظیم مردم در همه کشورها هستند. این واقعیت پایه ای است که انگلیس و ایتالیا و یونان و اسپانیا و شیلی و هنگ کنگ را به لبنان و ایران و عراق و سودان متصل میکند. اما این شرایط یکسان اقتصادی - نظام بحراندیده سرمایه داری در همه کشورها - از نظر سیاسی در قالب سیستمهای متفاوتی سلطه خود را حفظ میکنند. ریاضت کشی اقتصادی یک نسخه جهانی است اما دولتهای پیاده کننده آن متفاوت هستند. البته این امر تازه ای نیست. در دوره جنگ سرد نیز دولتهای جهان سومی - دیکتاتورهای سلطنتی و ریاست جمهوری های مادام العمر و خونتاهای نظامی و امثالهم - از دیکتاتورهای سرمایه داری پیچیده شده در زورق دموکراسی و لیبرالیسم در غرب متفاوت بودند. آنچه امروز تازه است بحران سیاسی نظامهای حاکم - آنچه باید آنرا بحران حکومتی سرمایه نامید - در غرب و شرق و همه جای دنیا است. ترامپ و برکسیت نماد این بحران سیاسی در غرب، و حکومت‌های سرهم بندی شده از سران عشایر و فرقه ها و مذاهب، از مظاهر این بحران حکومتی در خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. البته این اشکال حکومتی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. با ختم جنگ سرد، بورژوازی "پیروز" کمپ غرب و بویژه دولت آمریکا ناگزیر شد برای حفظ سلطه و هژمونی خود، به نیروهای فوق ارتجاعی قومی مذهبی نژادی در اروپای شرقی و در خاورمیانه و شمال آفریقا متوسل بشود. این یک نوع سیر قهقرائی

اعتراضی که امروز در عراق و لبنان شاهد آن هستیم، مانند خیزش ۸۸ و ۹۶ ایران، پاسخ مردم به این نیروهای قرون وسطائی است که بورژوازی بومی و جهانی برای حفظ سلطه خود آنها را علم کرده و به آنها متوسل شده است. مردم بپا خاسته اند تا کل این بساط را جارو کنند.

بهرام سروش: با توجه به این توضیحات شما آیا می توان گفت که خیزش انقلابی در عراق جزئی از ترند اعتراضی عمومی تری است که در حال حاضر در سطح جهانی و بویژه در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد آنیم؟ نمونه های جاری ای مانند ایران، لبنان و قبل از آن سودان، و فراتر از آن، جنبش عظیم اعتراضی در شیلی؟

حمید تقوائی: آنچه جنبش توده ای در عراق و لبنان و ایران و سودان را به مبارزات مردم شیلی وصل میکند وضعیت فلاکتبار اقتصادی ناشی از سرمایه داری بحراندیده و به بن بست رسیده در سطح جهان است. توده مردم، یا بقول جنبش اشغال، نود و نه درصدیها، در همه جای دنیا قربانی سیاست‌های ریاضت کشی اقتصادی، سلطه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر مقدرات خود، و فاصله عظیم و

کردن این بساط و سیستم قومی - مذهبی قرون وسطائی هستند و به همین علت است که علاوه بر دولت حاکم، دارو دسته های اسلامی - قومی خارج از دولت و همچنین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا را هدف گرفته اند.

بهرام سروش: چه عوامل اجتماعی و سیاسی بنظر شما این ویژگی جنبش جاری در عراق را توضیح می دهد؟

حمید تقوائی: دولت آمریکا عراق و افغانستان را بعنوان لایراتوار پیاده کردن نظم نوین جهانی انتخاب کرد. تهاجم به این کشورها محور سیاست هژمونی طلبی میلیتاریستی دولت آمریکا و کل کمپ غرب بر خاورمیانه و کل جهان در دوره بعد از جنگ سرد بود اما این استراتژی به شکست انجامید. دولت آمریکا نه تنها نتوانست سلطه خود را تثبیت کند بلکه موقعیت خود در دوره جنگ سرد را نیز تماما از دست داد. در نتیجه یک نوع "فضای باز سیاسی" برای بورژوازی بومی در منطقه بوجود آمد و در این فضا مشخصا جنبش و نیروهای اسلام سیاسی، که از مقطع لانسه کردن خمینی علیه انقلاب ۵۷ ایران و علم کردن طالبان علیه نفوذ شوروی در افغانستان، بوسيله غرب بجلو رانده شده بودند، میداندار شدند. جنبشهای

از صفحه ۱

پاسخ، انسانیت و مدنییت سوسیالیستی است

که در بغداد و بصره و کربلا و نجف و چندین شهر بزرگ و کوچک دیگر به میدان آمده اند، خیابانها را بسته اند و میدانها را اشغال کرده اند، و صریح و قاطع خواهان کنار رفتن دولت فاسد حاکم و ختم دخالتگری و اعمال نفوذ جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق شده اند. این حرکتی صرفا علیه دولت نیست بلکه مهمتر از آن علیه کل نظام اسلامی - قومی حاکم در عراق و نیروهای جنایتکاری نظیر مقتدی صدر و سیستانی و حشدالشعبی و غیره است. همانطور که اشاره کردید بیکاری و فقدان ابتدائی ترین خدمات شهری و شرایط فلاکتبار معیشتی ریشه و مبنای حرکت اعتراضی توده مردم است اما اعتراضات جاری از سطح مطالبات اقتصادی بسیار فراتر رفته است. مردم بدرست کل نظام حاکم را هدف قرار داده اند. یعنی نظام قومی - قبیله ای مذهبی ای که بعد از هجوم نظامی سال ۲۰۰۳ با معماری دولت آمریکا و هم پیمانانش در عراق سرهم بندی شد. مردم خواهان جارو



از صفحه ۲

پاسخ، انسانیت و مدنیت سوسیالیستی است

عراق و لبنان و اعتراضات ادامه دار در ایران در واقع پاسخ کوبنده مردم به این بساط و اعلام نقطه پایان این سناریو از جانب خیابان است.

بهرام سروش: به مورد مشخص عراق برگردیم. در خیزش انقلابی مردم عراق، جمهوری اسلامی بعثت نقش اش در حمایت از دولت ارتجاعی عراق آماج اعتراض مردم بوده است. پوستره‌های سران جمهوری اسلامی، و شخص خامنه ای، بزیر کشیده شده، زیر پا له شده و به آتش کشیده شده اند، کنسول گری جمهوری اسلامی در کربلا مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفته است و بسیاری نمونه های هر روزه دیگر. مردم عراق آشکارا خواهان قطع حمایت جمهوری اسلامی از ارتجاع اسلامی حاکم در آن کشورند. این واقعیات قبل از هر چیز بر هم سرنوشتی مردم ایران و عراق در مبارزه علیه یک دشمن مشترک تاکید می کنند. بنظر شما مردم ایران چه اقداماتی را می توانند در حمایت از مردم عراق انجام دهند؟

حمید تقوائی: نقش ارتجاعی جمهوری اسلامی در عراق تنها به حمایت فعال از دولت ارتجاعی آن کشور محدود نمی شود، بلکه ایجاد و تقویت نیروهای مسلح تروریستی نظیر حشد الشعبی و یا حمایت از دار و دسته مقتدی صدر و دیگر وحوش اسلامی جنبه دیگر از دخالتگریهای جمهوری اسلامی در عراق است. رژیم

همین نقش را با حمایت از حوثی ها در یمن و حمایت از حزب الله در لبنان ایفا میکند. این واقعیت مردم منطقه را مستقیماً رودررو با جمهوری اسلامی قرار داده است. جمهوری اسلامی در واقع دشمن مشترکی است که مبارزات توده ای جاری در عراق و لبنان را به مبارزات مردم ایران گره میزند. شعار و خواست خروج جمهوری اسلامی از عراق، حمله به کنسولگری آن و مقابله توده مردم با نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی نظیر دار دسته مقتدی صدر و حشد الشعبی در واقع یک نیرو و عامل مهم در تقویت جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران است.

از سوی دیگر هر درجه پیشروی جنبش سرنگونی در ایران، جنبشهای توده ای در عراق و لبنان را تقویت میکند و به پیش میراند. ازینرو نفس تقویت و گسترش جنبش سرنگونی طلبانه در ایران، و جنبشهای اعتراضی جاری کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان و جوانان، مستقیماً در خدمت جنبشهای توده ای در عراق و لبنان قرار میگیرد.

در سطح مشخص تر باید اهداف و سیاستهای تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه را هدف قرار داد. گسترش و توده گیر کردن نقد و افشا و تعرض به سیاستهای ضد انسانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی در منطقه و خواست قطع دستان خون آلود حکومت از دیگر کشورهای منطقه با شعارهایی نظیر "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن" از جمله اقدامات مشخص در این جهت است. و بالاخره باید بر اهمیت اعلام حمایت و

پشتیبانی وسیع از مبارزات مردم عراق و لبنان، در اعتراضات خیابانی و در مدیای اجتماعی تاکید کرد. این وظیفه مهمی است که در برابر نه تنها احزاب انقلابی مثل حزب ما، بلکه همه اکتیویستها و چهره ها و نهادهای فعال جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی جاری در ایران قرار میگیرد.

بهرام سروش: به نظر شما در این میان کمونیسم کارگری چه جایگاهی دارد و چه نقشی میتواند در پیشبرد و به پیروزی رساندن جنبش جاری در عراق ایفا کند؟

حمید تقوائی: به نظر من امروز پرچم تمدن و مدنیت و جامعه مدنی در خاورمیانه و در همه جا در دست نیروهای چپ و کمونیست از نوع کمونیسم کارگری است.

نه تنها در کشورهایی نظیر ایران و عراق و لبنان و ترکیه بلکه حتی در کشورهای غربی هیچ حزب و جریان سیاسی را، بجز کمونیسمی که بوسیله حزب ما نمایندگی میشود، پیدا نمیکند که صریح و روشن از مدنیت و ارزشهای جهانشمول انسانی دفاع کند و در مقابل هویت سازهای ملی - مذهبی - اتنیکی برای مردم بایستد. برعکس،

ناسیونالیسم افراطی، مذهب، راسیسم، و هویتهای نژادی - اتنیکی به جزئی از سیاست عملی حتی لیبرال ترین و "چپ ترین" نیروها و احزاب سیاسی در حکومت و در اپوزیسیون تبدیل شده است.

در سطح نظری و ایدئولوژیک نیز همانطور که بالاتر اشاره کردم با دکتترین پست مدرنیسم این سیاستها را توجیه میکنند. نه تنها لیبرال ترین احزاب بورژوائی بلکه حتی نیروهای چپ غیر کارگری در سراسر غرب به این چاله افتاده اند و برخی نظیر حزب "اس دبلیو پی" در انگلیس رسماً و صریحاً از حسن نصرالله و جمهوری اسلامی و از مسجده سازی و حجاب و برقع بر سر زنان در خیابانهای اروپا دفاع میکنند. پاسخ این وضعیت کمونیسم کارگری است. کمونیسم بازگرداندن اختیار به انسان و کمونیسم ضد مذهب و ضد نسبیت فرهنگی. کمونیسم ضد تروریسم اسلامی و ضد تروریسم دولتی غرب هر دو. دنیای امروز ما به یک رنسانس سوسیالیستی نیاز دارد و پرچم این رنسانس در دست کمونیسم کارگری است.

در شرایط حاضر جنبشهای جاری در عراق و

لبنان و شیلی، همچنان که جنبش اشغال در غرب و انقلابات موسوم به بهار عرب در منطقه، و خیزشهای توده ای ۸۸ و ۹۶ در ایران، نیاز جهان به کمونیسم کارگری و سوسیالیسم و انسانیت و مدرنیسم و مدنیت عمیقی که کمونیسم کارگری نمایندگی میکند را نشان میدهد. مشخصاً جنبش جاری در عراق زمینه بسیار مساعدی برای دخالتگری کمونیستها فراهم کرده است. کمونیسم در عراق میتواند و باید پرچمدار و نماینده نه مردم به دولت و نظام قومی مذهبی - عشیرتی، نه مردم به دولت آمریکا و جمهوری اسلامی بعنوان نیروهای ارتجاعی معمار و محافظ این نظام فوق ارتجاعی، و نه مردم به فقر و بیکاری و بی تأمینی اقتصادی و معیشتی باشد و در برابر این وضعیت سکولاریسم و انسانیت و مدنیت عمیق و رادیکال سوسیالیستی را نمایندگی کند. در عراق نیز، مانند ایران و شیلی و همه جا، کمونیسم سیاسی قرن بیست و یکمی باید عروج کند و در راس حرکات اعتراضی توده مردم قرار بگیرد. پیروزی و رهایی مردم در گرو این تحول است.



فورا باید به کمک زلزله زدگان در آذربایجان بشتابیم!

صبحگاه امروز، زلزله ای به قدرت ۹.۵ ریشتر شهر تَرک، مرکز بخش کندوان در شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی رخ داد و در لحظاتی کوتاه تعداد زیادی خانه را در منطقه مخصوصا روستاها ویران کرد. این زمین لرزه همچنین در استان‌های آذربایجان غربی، گیلان، زنجان و اردبیل هم زمین را لرزاند.

مردم انساندوست و مبارز آذربایجان، کردستان و سایر مناطق ایران!

مثل همیشه، رسانه های جمهوری اسلامی تصویر واقعی از آمار کشته شدگان و مصدومین نمیدهند. میگویند زلزله ۵ کشته و نزدیک به ۳۰۰ زخمی برجای گذاشته است. روشن است که که با کمال تأسف آمار کشته شدگان و مصدومین در اثر زلزله ای با این قدرت آنهم نیمه شب بسیار زیاد است. روشن است که هزاران انسان بیخانمان شده اند و دار و ندار زندگی‌شان را از دست داده

اند.

حکومت اسلامی را همه میشناسیم. در چنین مواقعی امتحان پس داده است. زلزله طبس و رودبار و ورزقان و کرمانشاه و سایر حوادث طبیعی و برخورد جمهوری اسلامی را به خاطر بیاورید. این تجربه ها نشان داده اند که سران مفتخور و بیرحم حکومت هنگام سیل و زلزله و حوادث طبیعی چه کارهایی را در دستور میگذارند:

- تا میتوانند دروغ میگویند. اطلاعات نادقیق میدهند. ابعاد فاجعه را میپوشانند تا بی اعتنائیشان به رنج و درد مردم معلوم نشود. استاندار آذربایجان شرقی با کمال خونسردی و وقاحت به مردم اطمینان داده است که پس لرزه های خطرناک به اتمام رسیده است و مردم به خانه هایشان برگردند.

- تا میتوانند مانع کمکهای مردمی میشوند چون از همبستگی انسانی مردم میترسند.

- کمک رسانی از کشورهای دیگر را مانع میشوند و در مورد امکانات جمهوری اسلامی برای مواجه شدن با حوادث طبیعی به مردم جهان دروغ میگویند.

- به جای امداد رسانی، نیروی سرکوب به منطقه میفرستند تا با مردم و بازماندگان خشمگین و منزجر از بی اعتنائی حکومت و اعتراض احتمالیشان مقابله کند. همین الان سر و کله فرمانده سپاه عاشورا همراه تعدادی آخوند در منطقه پیدا شده است.

- سران حکومت برای پولخوری به نام زلزله زدگان و دزدی و چپاول پای همدیگر را لگد میکنند. فراموش نکرده ایم که قبلا بارها پتوها و چادرها و امکانات اهدایی توسط مردم سر از بازار قاچاق توسط مقامهای حکومتی در آورده اند.

مردم انساندوست و مبارز! فصل سرما در آذربایجان آغاز شده است. جدا از تلفات انسانی خود زلزله، خطر سرما و گرسنگی جان تعداد زیادی از زخمیها و بازماندگان را تهدید میکند. حکومت اسلامی مشغول است. مشغول کمک رسانی به سرکوب مردم معترض عراق و لبنان است؛ مشغول دزدی و چپاول است و نه تنها کوچکترین کمکی به مردم زلزله زده نخواهد کرد بلکه در مقابل کمکهای مردمی هم مانع تراشی خواهد کرد.

در چنین شرایطی، همچنانکه بارها و بارها نشان داده اید تجربه های قبلی را مجدداً به کار بگیرید، به هر شکل ممکن دور هم جمع شوید و خودتان را برای کمک فعال به زلزله زدگان سازمان دهید؛ چادر و پتو و خوراک و وسایل گرم کننده و دارو و امکانات پزشکی که مهمترین چیزهایی هستند که زلزله زدگان نیاز دارند فراهم کنید و خودتان به دست مردم برسائید.

علاوه بر این، به هر شکل ممکن، مخصوصا در شهرهای زلزله زده باید مقامات مفتخور را زیر فشار اعتراضی مجبور کنیم کیسه های چپاول شده از مردم را شل کنند. این

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۹۸
۸ نوامبر ۲۰۱۹



امکانات خود را برای برقراری تماس با جریانات کارگری و کمونیستی و انقلابی در این کشورها و تلاش برای شکل دادن به یک رهبری سیاسی منطقه ای حول مفاد این بیانیه به کار میگیریم.

حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۵ آبان ۱۳۹۸
۶ نوامبر ۲۰۱۹

در برابر جامعه است. حزب کمونیست کارگری ایران از انقلاب مردم قهرمان عراق و لبنان قویا حمایت میکند. حزب خواهان کوتاه شدن فوری دستهای پلید جمهوری اسلامی و همه نیروهای ارتجاعی از زندگی مردم در این مناطق است. ما همه مردم ایران بویژه کارگران و معلمان و دانشجویان را به حمایت فعال از اعتراضات مردم عراق و لبنان و ابراز علنی همبستگی با آنها فرامیخوانیم. ما تمام توان و

شود. باید به تقسیم مردم و ایجاد تفرقه و تبعیض بین آنها بر پایه قومیت و مذهب و گرایشات فرقه ای پایان داد. باید حکومتهای فاسد و جنایتکار در ایران و لبنان و عراق سرنگون شوند و بساط دار و دسته های اسلامی از کل منطقه جارو شود. به جای ارتجاع دمکراسی فرقه ای و موزائیکی باید آزادی و برابری و مدنیته انسانی و سوسیالیستی را در جامعه برقرار کرد و اداره شورایی کلید گشودن این چشم انداز

بدیل انسانی این سیستم ارتجاعی و ضد انسانی را نیز مردم در اجتماعات و "التحریر" ها و اقدامات مستقیم برای اعمال اراده خود عملاً بدست داده اند و روشنتر از همه جا کارگران ایران در اعتراضات خود علیه جمهوری اسلامی مطرح کرده اند: اداره شورایی! همه امور جامعه باید توسط خود مردم، یعنی شهروندان متساوی الحقوقی که در شوراها و ارگانهای اعمال اراده خود متشکل شده اند، اداره

از صفحه ۱

از تهران تا
بغداد و
بیروت:
زنده باد
اداره شورایی!
(بیانیه حزب
کمونیست کارگری
ایران)

از صفحه ۱

در حاشیه خیزش مردم عراق و لبنان کاظم نیکخواه

در کربلا و دیگر شهرها حمله کردند، تصاویر خمینی و خامنه ای را پاره کردند و آتش زدند و علیه جمهوری اسلامی وسیعاً شعار میدهند و خواهان کوتاه شدن دست جمهوری اسلامی از جامعه عراق هستند. روشن است که نوک تیز حمله مردم علیه جمهوری اسلامی و دخالتگریهای آن در عراق و لبنان است.

خامنه ای در عکس العمل به خیزش مردم لبنان و عراق هفته گذشته در سخنانی تلاش کرد آمریکا را عامل این اعتراضات معرفی کند و گفت "در دنیا بیشتر از همه، آمریکا و سرویس‌های اطلاعاتی غربی با پشتیبانی پول کشورهای مرتجع منطقه دارند آشوب به پا می‌کنند. این بدترین دشمنی و خطرناک‌ترین کینه ورزی علیه یک ملت است." این سخنان به خشم تظاهر کنندگان بیشتر دامن زد و شعارها و اعتراضات علیه جمهوری اسلامی را شدت و حدت بیشتری داد. مردم



عراق و لبنان میخواهند زندگی انسانی داشته باشند و به تجربه دریافته اند که جمهوری اسلامی یکی از عوامل و نیروهای اصلی ای است که از طریق نیروهای مرتجع و مزدورشان نظیر حشد الشعبی و حزب الله و جاسوسان و مزدورانش کل شرایط نکبت بار کنونی را بر زندگی آنها حاکم کرده است.

ار سوی دیگر به گزارش بی بی سی، وزیر خارجه آمریکا در مطلبی در توئیتر خود نوشته است: "مردم عراق و لبنان می‌خواهند کشورشان را پس بگیرند. آنها در می‌یابند که صادرات اصلی رژیم ایران فساد است که به شکلی ناشیانه جامعه انقلاب بر تن کرده است."

این سخنان پمپتو در مورد نقش جمهوری اسلامی در عراق و لبنان حقیقتی را بیان میکند. اما سخنان خامنه ای

نیز که میگوید آمریکا با پول کشورهای منطقه نا امنی برای مردم به ارمغان آورده است نیز حقیقتی است. استثنائاً در این مورد خاص هردو دارند به حقیقتی اشاره میکنند! نه فقط نا امنی بلکه خود سیستم قومی - مذهبی ای که از طریق آن چهره ها و دستجات وابسته به جمهوری اسلامی توانسته اند بر گرده مردم عراق و لبنان سوار شوند، در واقع دستپخت سیاستگزاران آمریکاست. هم خامنه ای و هم پمپتو دو حکومت عمیقاً ضد انسانی و ارتجاعی این دوره را نمایندگی میکنند. گرچه یکی در راس سرمایه داری جهانی قدرت عظیمی دارد و یکی با وضعیت بسیار ضعیف تر و شکننده تری در ایران و منطقه خاورمیانه دست به جنایت و توطئه میزند تا خود را از سرنگونی نجات دهد. اما بهرحال در عراق و لبنان و هردوی این حکومتها و سازمانهای جاسوسی وابسته به آنها مشغول توطئه گری علیه مردمند.

مردم عراق و لبنان به همان درجه که میخواهند خود را از حشد الشعبی و

توطئه های جمهوری اسلامی خلاص کنند، میخواهند خود را از شر حکومت و سیستم سیاسی عقب مانده و موزائیکی و قومی - مذهبی ای که اساساً دستپخت سیاستگزاران آمریکا برای مردم این کشورها بوده است، خلاص کنند.

جنبش و خیزش مردم عراق و لبنان توطئه نیست. انقلاب مردمی برای دستیابی به زندگی انسانی است. این خیزشها به اعتراضات مردم در ایران علیه جمهوری اسلامی مستقیماً مربوط است و قطعاً دیر نخواهد بود روزی که در ایران نیز شاهد خیزشهای عظیمتری برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشیم.

مردم عراق و لبنان بارها دست به اعتراضات گسترده و توده ای زده اند. بارها نشان داده اند که میخواهند و مصممند خود را از وضعیت ناهنجار کنونی که دولتهای ارتجاعی ای نظیر جمهوری اسلامی و دستجات مرتجع دست ساز عربستان و آمریکا علیه آنها ایجاد کرده اند خلاص کنند. نشان داده اند که مصممند جامعه ای انسانی را برای زندگی خود پایه ریزی

کنند. اینکه این مردم موفق شوند به هدف خود برسند و تحولات دلخواه خود را در جامعه ایجاد کنند طبعاً مشروط به اینست که احزاب و چهره های چپ و روشن رادیکال و انقلابی در راس این خیزشها قرار بگیرند و امرشان رهایی واقعی همه مردم باشد. امری که هنوز شاهد آن نیستیم. وجود احزاب روشن و چپ و مردمی که امرشان عمیقاً رهبری تحولات از پایین توسط مردم و به نفع مردم باشد و استراتژی و برنامه روشنی برای این امر تاریخی داشته باشند، شرط پیروزی هر انقلابی است. باید امیدوار بود که از دل خیزشهای انقلابی موجود چهره های رادیکال جلو بیایند و نقش تعیین کننده خود را ایفا کنند و بتوانند جامعه را از دوره تلخ و سیاه تکنونی به سمت یک جامعه انسانی عبور دهند. این تحولی ساده نیست اما با توجه به فضای این جوامع و خواست عمیق مردم و بحران سیستم حاکم و کل شرایط موجود در منطقه و دنیا، امکان پذیر است و میتوان به درجه ای به آن امیدوار بود.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سرمدیر: بهرام سروش

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری نوزده آبان و یک نکته شهلا دانشفر



نزدیک به یکماه است که بازنشستگان برای پیگیری مطالباتشان در تدارک تجمع بزرگ سراسری خود برای ساعت ده صبح روز نوزده آبان در مقابل مجلس هستند. تا کنون بیست و پنج گروه و نهاد سراسری بازنشستگان به این فراخوان پیوسته اند. اعتراض بازنشستگان به فقر، گرانی، افزایش روزانه قیمت ها، پایین آمدن هر روزه قدرت خرید مردم، اختلاس ها و دزدی ها، حقوقهای نجومی و تبعیض ها و نابرابری و بالاخره به امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگری های حاکم است. به این اعتبار بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم را نمایندگی کرده و در بیانیه مشترک خود به مناسبت تجمع نوزدهم آبان، بر اتحاد و یکپارچگی بعنوان تنها راه برون رفت از فقر و فلاکت بیسابقه حاکم و تداوم مبارزاتشان تا رسیدن به خواستههای خود تاکید کرده اند. به مناسبت این تجمع و جهت اطلاع رسانی پوسترهای زیبای بسیاری در مدیای اجتماعی منتشر شده است که در آنها با اعلام اینکه همه می آئیم، با خانواده ها می آئیم، به شرکت وسیع در این تجمع فراخوان داده شده است. همچنین بازنشستگان با نوشتن موضوع اعتراض و خواستههایشان بر روی هر کدام از پوسترهایشان اهداف برگزاری تجمع نوزده آبان و موضوع اعتراضشان را به

روشنی بیان کرده اند. در میان این پوستر ها نوشته هایی با مضامین زیر توجه ها را به خود جلب میکند: افزایش حقوق ها به بالای خط فقر هشت میلیونی، همسان سازی حقوقها متناسب با درصد واقعی تورم در هر سال و بالاتر از خط فقر، درمان رایگان و بیمه کارآمد سلامت، تحصیل رایگان و با کیفیت برای تمام دانش آموزان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و زندان و ارباب و آزادی بدون قید و شرط و بدون وثیقه معلمان، کارگران، دانشجویان و تمامی زندانیان سیاسی، لغو خصوصی سازی آموزش از سطوح مدارس تا دانشگاهها، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته از صندوق بازنشستگان و صندوق ذخیره فرهنگیان به این صندوق ها. با چنین اعتراضات و خواستههاییست که بازنشستگان با بر دست گرفتن بنری با مضمون "پایان یافتن فاصله عظیم طبقاتی در جامعه" و با شعارهایی چون "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "اختلاسها کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "نه تهدید، نه ارباب، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" در مبارزاتشان کل بساط سرکوب، دزدی و توحش و بردگی سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده اند. اینکه امروز بازنشستگان با چنین گفتمان هایی به تدارک تجمع سراسری خود برای

نوزدهم آبان میروند، و سابقه درخشان مبارزاتی آنان، به روشنی حال و هوای امروز کل جامعه را بیان میکند. از خواستهها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

فراخوان گروههای دیگری از بازنشستگان برای ۲۱ آبان و یک تاکید

متعاقب فراخوان ۲۵ گروه از بازنشستگان به تجمع در مقابل مجلس برای نوزدهم آبان ماه یک هفته قبل، در فراخوان دیگری بازنشستگان به تجمع در روز بیست و یک آبان دعوت شده اند. اولین سوالی که به ذهن خطور میکند اینست که چرا علیرغم نزدیک به یک ماه تدارک برای تجمع روز نوزده آبان، چنین فراخوانی آنهم دو روز بعد از آن داده میشود؟

اما با خواندن بیانیه فراخوان دهندگان به تجمع برای بیست و یکم آبان و تاکیدات نویسندگان آن بر تجمع "آرام و مسالمت آمیز بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی" پاسخ سوال فوراً روشن میشود. اینان با دیدن سیل حمایت و پشتیبانی از تجمع نوزده آبان در هراس از اینکه اوضاع از کنترل خارج گردد مثل همیشه وارد میدان شده و همه تقلایشان اینست که اعتراضات بازنشستگان را در چهارچوب قوانین موجود مهار کنند. برای اینکار و برای اینکه از قافله دور نمانند هیاهویی به پا کرده و به اسم ۱۲۰ گروه لشگری و کشوری از شهرهای مختلف فراخوان داده و اسمش را هم ائتلاف بزرگ بازنشستگان کشوری و لشگری گذاشته اند. بگذریم که خیلی از این گروههای اعلام شده حتی وجود خارجی ندارند. اینان در همان راستا با عجله

پوسترهای تبلیغی خود را در مدیای اجتماعی انتشار داده و آنها را به "الله اکبر" مزین کرده اند. همچنین در برابر خواستههای اعتراضی بازنشستگان که بارها و بارها آنها را در تجمعاتشان اعلام کرده و امروز نیز با همان خواستهها دارند به تدارک تجمع روز نوزدهم آبان میروند، تلاششان اینست که اعتراض بازنشستگان را به خواست اجرای قانون خدمات کشوری محدود کنند. از جمله خواست اعلام شده آنها در فراخوانشان "اصلاح سریعتر ماده ۱۰۹ قانون مدیریت خدمات کشوری و تامین بودجه لازم و مکفی برای همسان سازی حقوق و بهسازی شرایط خدمات درمانی و رفاهی بازنشستگان" است.

طبعا این گفتمان ها و تلاشهایی از این دست موضوع جدیدی برای بازنشستگان نیست. نویسندگان بیانیه فراخوان بیست و یکم همان دنباله روان این جناح و آن جناح حکومتی هستند که وقتی بازنشسته قصد حرکت و اعتراضی داشت، از تجمع سکوت سخن میگفتند و صلوات سر میدادند و امروز نیز بازنشسته را به تجمع آرام و مسالمت آمیز فرا میخوانند. اما بازنشستگان در طول چند سال اخیر در مبارزات جانانه شان در کف خیابان جواب قاطعی به تشبثاتی از این دست داده اند. بازنشستگان همانزمان اعلام کردند که ما برای فرستادن صلوات به خیابان نیامده ایم بلکه ما مطالبه گریم و برای گرفتن خواستههایمان آمده ایم و با فریاد رسای شعارهایشان، با فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، و با شعارهایی چون "نه احضار، نه زندان دیگر فایده ندارد"، تجمعات

سکوت را به تجمعات اعتراض تبدیل کردند و اجازه ندادند که با سردادن صلوات و به نام خدا به مبارزاتشان رنگ مذهبی و حکومتی زده شود. این چنین است که بازنشستگان در نتیجه سالها مبارزه درخشان امروز در جایگاه یک بخش رزمنده در جامعه قد علم کرده و شعار آزادی و برابری سر میدهند. در کنار نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز ایستاده و شعار کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد سر میدهند.

اما نکته آخر!

همانطور که اشاره کردم بسیاری از گروههایی که فراخوان دهندگان به تجمع در روز بیست و یکم لیست کرده اند موجودیت خارجی ندارند و آنهایی هم که موجودیت دارند، بدنه شان ربطی به نویسندگان فراخوان بیست و یکم آبان ندارد. بدنه آنها از جمله همان هزاران بازنشسته مطالبه گر هستند که با فریاد شعارهای رادیکال و انسانی خود نقش مهمی در جلو آوردن شعار چپ، رادیکال و انسانی در سطح جامعه داشته اند. اعتراض آنان اعتراض به فقر، گرانی و بساط جهنمی حاکم است و راه برون رفت از این شرایط نیز طبعا اتحاد و یکپارچگی مبارزاتی وسیع همه بازنشستگان و تداوم مبارزاتشان است. این اتحاد و همبستگی امروز میتواند خود را در شرکت قدرتمند همه بازنشستگان و معلمان شاغل همراه با خانواده هایشان و حمایت وسیع مردم از آنها، هم در تجمع نوزدهم آبان و هم در تجمع بیست و یکم آبان، نشان دهد. بنابراین نه تنها تجمع روز نوزدهم آبان را با قدرت به پا میکنیم، بلکه با

نه به اعدام، نه به قصاص تجربه موفق نجات یک زندانی محکوم به اعدام حسن صالحی



حتمی کامران عبدی جلوگیری کنند. خانواده عزیزه که فرزند دلبندها را در این نزاع جمعی از دست داده اند ضمن تشکر از اظهار لطف و همدلی شهروندان اعلام کردند تا روز شنبه یعنی موعده اعدام تصمیمات لازم را خواهند گرفت.

صبح روز شنبه ۱۱ آبان ۱۳۹۸ در حالیکه مردم زیادی در مقابل زندان سقز تجمع کرده بودند، کامران عبدی در میان شادی و شغف مردم از زندان بیرون آمد. یکی از اعضای خانواده مقتول اعلام داشت که "ما رضا (کامران) عبدی را به مردم شهر سقز بخشیدیم". جمعیت با هلهله و شادی از خانواده عزیزه تشکر و قدردانی کرد.

این پایان خوش رویداد بودی که می توانست با تلخی و مرگ یک جوان خاتمه یابد ولی چنین نشد. چنین نشد چرا که مردم علیه اعدام دست به اعتراض زدند و خانواده عزیزه نیز با پشت کردن به قوانین قصاص جمهوری اسلامی حاضر نشدند که در قتل یک انسان سهیم شوند. در روز ۱۱ آبان ۱۳۹۸ زندگی در مقابل رژیم مرگ و اعدام جمهوری اسلامی پیروز شد. در این روز قوانین قرون وسطایی و وحشیانه قصاص جمهوری اسلامی یک نه محکم از مردم گرفتند. در این روز جنبش ضد اعدام قدرت خود را به نمایش گذاشت و جان دیگری را از پای چوبه های دار نجات داد. شغف و شادی مردم از

گوناگون بیان کنیم. باید به اعتراض علنی علیه اعدام دست بزنیم. باید به کمک خانواده های محکومین به اعدام بشتابیم و آنها را تنها نگذاریم. باید اعدام در اماکن عمومی را به صحنه های ابراز انزجار و نفرت و اعتراض علیه اعدام تبدیل کنیم. باید شبکه های علیه اعدام را در همه جا گسترش دهیم. و ... به هر میزان که ما این کارها

پایان خوش این ماجرا بی دلیل نبود. چرا که در نجات جان کامران (رضا) عبدی پور موفقیت خود را هم می دیدند. موفقیت تلاش های خستگی ناپذیر و انسانی و دسته جمعی شان. همیشه در چنین مواقعی عده ای هستند که جلو می افتند و دست به کار می شوند. با پایداری بی نظیری زحمت می کشند که جو و فضای شهر را در مخالفت با اعدام بسیج کنند. خبر رسانی می کنند. در مدیای اجتماعی می نویسند. می کوشند خانواده ها را از پیروی کردن از قوانین جنایتکارانه قصاص منصرف کنند. و در مقابل زندان هم دست به تجمع می زنند تا با حضورشان بتوانند جان انسانی را نجات بدهند. با دخالت مردم در موارد زیادی از اعدام ها جلوگیری شده است. نفس این جنب و جوش برای زندگی و در مخالفت با اعدام رژیم را سراسیمه می کند. پیشبرد اعدامها را برای جمهوری اسلامی دچار مشکل می کند. مردم یاد می گیرند که چگونه زندگی را پاس بدارند و شکست دیگری را تجربه می کنند. چنین تحکراتی یکی از مظاهر قوی جنبش ضد اعدام در ایران هستند. طبعاً ما برای اینکه به جمهوری اسلامی بفهمانیم که عمیقاً ضد اعدام هستیم باید صریحتر علیه اعدام حرف بزنیم. لازم است که در همه جا اعلام کنیم که "اعدام قتل عمد دولتی است". باید بطور سمبلیکی طناب و چوبه های دار را به آتش بکشیم. باید در سمینارهای متفاوت به آسیب شناسی اعدام در جامعه بپردازیم و دلایل مخالفت خود با اعدام را از زوایای

را انجام دهیم و جنبش علیه اعدام را تقویت کنیم به همان میزان توانسته ایم که ماشین اعدام و آدمکشی جمهوری اسلامی را فلج کنیم. جمهوری اسلامی نمی تواند بدون اعدام سرکار باقی بماند. برای همین باید سرنگون شود تا یکبار برای همیشه سایه مرگ و نیستی اعدام از بالای سر جامعه رخت بپرنده.

از صفحه ۶

فراخوان بازنشستگان به تجمع

بازنشستگان تفرقه افکنانه و اختلاف افکنی است، شرکت خود را به توافق طرفین برای تعیین یک روز واحد منوط کرده و شرکت بازنشستگان کرمانشاه را به تصمیم فردی خود آنها واگذار نموده است. من در نوشته ام سعی کردم که نشان دهم که علت اعلام دو فراخوان برای تجمع بازنشستگان چیست و فراخوان دوم برای روز ۲۱ آبان از کجا نشأت گرفته است. من هم این نوع تشبثات را تفرقه افکنانه میدانم. اما راه حل برای طرد این نوع اختلاف افکنی ها دخالت فعال ماست. از همین روست که میگویم بله ما، هم تجمع نوزدهم آبان را قدرتمند بر پا میکنیم و هم تجمع روز ۲۱ آبان را با شرکت فعال خود بدست میگیریم. این چنین است که متحدانه و قدرتمند پیگیری مطالبات خود هستیم.

فریاد همان شعارهای اعتراضی و بدست گرفتن همان بنرها و دست نوشته ها تجمع روز بیست و یکم آبان را هم بدست میگیریم. برای اینکار، برای برگزاری تجمعات بزرگ و قدرتمند، تاکید من بر اتحاد وسیع و گسترده همه بازنشستگان و حمایت همه مردم از خواستها و مبارزات آنهاست. طبعاً تنها با شعارهای چپ و رادیکال که محور واقعی اتحاد بازنشستگان و همه مردم برای رهایی از بردگی و توحش حاکم است، میتوان صف خود را متحد نگاهداشت و با حضور قدرتمند خود پاسخ قاطعی به نویسندگان بیانیه فراخوان برای تجمع بیست و یکم آبان ماه داد. گفتنی است که در این میان انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه با اعلام اینکه دو فراخوان برای دو روز متفاوت برای تجمع سراسری

زنده باد سوسیالیسم!

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد چهارمین روز شد

امروز ۱۶ آبان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه که اینبار از بخش کشاورزی سربلند کرده، وارد چهارمین روز خود شد. کارگران خواهان توقف دزدی ها و اختلاس ها، لغو خصوصی سازی ها و اعتراض به چوب حراج زدن به زمین های کشاورزی هستند که زندگی و معیشت کارگران را به خطر می اندازد. بعلاوه پرداخت فوری حقوق و مزایای معوقه، بازگشت به کار دو کارگر اخراجی محمد خنیفر و ایمان اختری، لغو احکام صادره برای اسماعیل بخشی، محمد خنیفر و توقف تعقیب قضایی علیه کارگران نیشکر هفت تپه و حامیان آن، لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده علیه تمامی کارگران نیشکر هفت تپه

پایان دادن به پرونده سازیها از جمله خواسته های فوری کارگران نیشکر هفت تپه است. اتحاد و همبستگی تمامی بخش های کارگران در این اعتراض و حضور فعال خانواده ها در این اعتراضات دو نکته مهم مورد تاکید است. نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم اعتراض کارگری است. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بر حمایت و پشتیبانی همه کارگران از کارگران نیشکر هفت تپه تاکید دارد.

**پیش بسوی ایجاد شوراهای
حزب کمونیست کارگری
ایران
۱۶ آبان ۹۸، ۷ نوامبر
۲۰۱۹**

"منشاء اصلی تحولات هر جامعه ای مبارزه طبقاتی در آن جامعه است" سوالی از مصطفی صابر



اخیرا دوستی از مصطفی صابر درباره چگونگی تغییر رژیم سوالی کرده بود. در زیر متن سوال و پاسخ مصطفی صابر را می خوانید -
انترناسیونال

سوال حسن:

سلام آقای صابر
میخواستم بپرسم آیا شما به این اعتقاد دارید که تا قدرتهای بزرگ نخوان امکان تغییر رژیم وجود ندارد؟ چون تاریخ رو که میخونیم میبینیم مثلا رضا خان رو انگلیسیها آوردن و محمد رضا شاه رو انگلیسیها و آمریکاییها بردن و خمینی رو انگلیسیها آوردن.
با سپاس

پاسخ مصطفی صابر:

سلام حسن عزیز. اولاً دوست دارم بیشتر با خود شما آشنا بشم. ثانياً شما درست میگوئید بخصوص در تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر نقش قدرتهای جهانی و منطقه ای در شکل دادن به تحولات مهم بوده است. اما در تمام این مواردی که شما اشاره کردید تکیه گاه اصلی این تحولات مربوط به اتفاقات و جریانات داخلی این مناطق بوده است. برای مثال اگر انقلاب مشروطیتی صورت نمی گرفت ما میبایست منطقیاً همچنان در دوره قاجار و رقابت امپراطوری انگلیس و روس برای نفوذ در ایران بسر میبردیم. در این حالت پدیده رضا خان و رفتن انگلیس پشت او و غیره، اصلاً محلی از اعراب پیدا نمی کرد. یا همینطور اگر اعتراضات و مبارزات مردم و کارگران در دوره ۲۰-۳۲ نمی بود نه صحبتی از مصدق و حزب

توده و نه صحبتی از کودتای ۲۸ مرداد و عروج دوره محمدرضا شاه میداشتیم. همین حکایت هم در دوره ۵۷ صادق است. اگر انقلاب ۵۷ و غلیان کارگران و توده مردم برای یک زندگی بهتر نبود، نه غرب نیازی داشت عذر دیکتاتور قدرتمندش و "تمدن بزرگ" اش را بخواهد و نه نیازی داشت که از سر استیصال به مجموعه خمینی - بازرگان رضایت بدهد که انقلاب ۵۷ را به خون بکشند...
از همه اینها میخواهم نتیجه بگیرم که اتفاقاً منشاء اصلی تحولات هر جامعه ای مبارزه طبقاتی در آن جامعه مربوطه (در این مورد ایران) است و همه بازیگران صحنه اعم از خارجی و داخلی در چارچوب این مبارزه طبقاتی و شرایط و ملزومات آن ایفای نقش میکنند. برای مثال اگر در جریان انقلاب ۵۷ یک نیروی سیاسی روشن و متشکل وجود میداشت که خواسته های بحق مردم را نمایندگی کند و راه درست را نشان دهد و مردم را پشت سیاستهای صحیح و انسانی و رادیکال بسیج کند آنوقت هیچ نیرویی، چه شاه و چه قدرتهای جهانی که دنبال

تقویت متحدین خود در ایران بودند، نمی توانست در مقابل مردم متشکل و متحد و آگاه مقاومت کند. حال میشود دنبال روش دائمی کار آمریکا را برداریم و گفت کار کار آمریکایی ها روس ها و غیره است و تا آنها نخواهند اتفاقی نمی افتد. یا میشود دنبال روش حزب کمونیست کارگری افتاد و گفت مردم متشکل و متحد و آگاه میتوانند و باید سرنوشت خود را بدست گیرند، از پس همه موانع برآیند، جلوی هر فاجعه و مصیبتی را بگیرند و جامعه ای مبتنی بر رفاه و برابری و آزادی و شادی بنا کنند. در این راه بویژه میتوانند روی حمایت مردم شریف و آزاده جهان حساب کنند. البته کار آسانی نیست و رهبری و سازمان لازم را میخواهد. و ما یعنی حزب کمونیست کارگری دقیقاً همین کار هرکولی را در دستور خود قرار داده ایم. شما هم همراه ما شو تا قوی تر شویم!

مخلص شما مصطفی
در ضمن اگر خواستید بیشتر در این مورد مطالعه کنید شما را به سخنرانی منصور حکمت با عنوان "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" رجوع میدهم.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

به حزب کمونیست

کارگری ایران پیوندید!

مردم مبارز آذربایجان و کردستان! به یاری زلزله زدگان بروید! کمکهای مردمی برای نجات زلزله زدگان حیاتی است!

شعارهای فاشیستی و نژادپرستانه در استادیوم ورزشی تبریز شدیداً محکوم است!

گزارش‌ها حاکی است که زلزله‌ای با قدرت ۹.۵ ریشتر در حوالی ترک در استان آذربایجان شرقی روی داده است. زمان وقوع این زلزله ۲ و ۱۷ دقیقه و ۳ ثانیه بامداد جمعه بوده است.

ژوک یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی و مرکز دهستان کندوان و بخش کندوان شهرستان میانه است. این زمین لرزه علاوه بر استان آذربایجان شرقی، استان‌های آذربایجان غربی، گیلان، زنجان و اردبیل را هم لرزاند.

سازمان اورژانس اعلام کرده است تاکنون پنج نفر از شهروندان جان خود را از دست داده و ۳۳۲ نفر هم مصدوم شده‌اند. بیشترین خسارت در روستاهای ورنکش، بال استیل، ورزقان، گاوینه رود و گین علی رخ داده است. از ۸۰ روستای منطقه زلزله‌زده تاکنون ۶۵ روستا ارزیابی شده است. دست‌کم به ۴۰۰ واحد مسکونی خسارت وارد شده است.

مردم مبارز آذربایجان و کردستان! زلزله زدگان از تجربه زلزله کرمانشاه و

اگر - ورزقان باید آموخت. و بر اساس آن هر چه بیشتر و موثرتر به یاری عزیزان زلزله زده رفت. در تجربه اهر - ورزقان دولت نه تنها کمک نکرد بلکه به منطقه لشکر کشی کرد تا مقابل کمکهای مردمی بایستد و مانع اتحاد انسانی مردم شود. در مقابل، مردم نه تنها از آذربایجان بلکه از سراسر ایران با جان و دل به یاری هموطنانشان در آذربایجان شتافتند. این کمکهای بیدریغ مردم بود که جان تعداد زیادی را نجات داد و امید را در قلب بازماندگان آن فاجعه زنده نگه داشت. در فاجعه کرمانشاه، حکام بیرحم اسلامی در کنار سپاه، گله های آخوند هم به منطقه اعزام میکنند که این دیگر نمک پاشیدن بر زخم مردم داغداری است که از هر چه آخوند و عمامه و هر نشانی از حکومت اسلامی منزجر هستند!

مردم مبارز آذربایجان و کردستان! تنها کمکهای مردمی شما مردم مبارز است که میتواند امید را در قلب مردم شریف مناطق زلزله زده زنده نگه

دارد و از افزایش تعداد تلفات جلوگیری کند. این شما مردم مبارز هستید که در مقابل بی اعتنائی حکومت و مانع تراشیهایش، عزیزان بازمانده را از خطر سرما و گرسنگی و بی آبی و بی غذایی و بی دارویی میتوانید نجات دهید.

به هر شکل که میتوانید دور هم جمع شوید و جمع آوری غذا و پوشاک و پتو و چادر و وسایل گرمایی و هر چیز مورد نیاز دیگر را سازمان دهید و به دست مردم زلزله زده برسانید. مفتخوران حاکم را نیز باید تحت فشار قرار داد که امکانات کافی برای نجات مجروحین و تامین زندگی زلزله زدگان در اختیار مردم قرار دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به مردم زلزله زده در مناطق آذربایجان شرقی (بویژه مردم میانه) و خانواده های کشته شدگان صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در کنار آنها میداند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۹۸
۸ نوامبر ۲۰۱۹

شعارهای طرح شده از طرف تعدادی در بازی فوتبال بین تراکتورسازی و استقلال در روز جمعه ۱۰ آبان ماه، از جمله شعار "مرگ بر کرد"، "ترکیه، ترکیه و همچنین بر افراشته شدن پرچم ترکیه توسط آنها در استادیوم نشانه حمایت این جماعت عقب مانده و مرتجع از فاشیسم و نژادپرستی و نشانه ضدیت شان با هر نوع مدرنیسم و ترقی خواهی و انسانیت و دستاوردهای مرفعی انسان قرن ۲۱ ام است.

این شعارها و این صداها نه صدای مردم آذربایجان بلکه صدای فاشیسم ترک است که با حمایت هم دولت فاشیست ترکیه و هم عوامل حکومت اسلامی و سپاه پاسداران در چنین تجمعاتی بلند میشود.

مردم آذربایجان نباید به این فاشیستها میدان بدهند، باید عرصه را بر آنها تنگ کنند و اجازه ندهند که این گرایش عقب مانده، که از طرف مزدوران هر دو حکومت ارتجاعی در منطقه باد زده میشود، تصویر دیگری از مردم آذربایجان را

در انظار جهانیان بنشانند. این لمپنها و پاسدار و بسیجی ها باید جواب مناسب خود را از مردم آذربایجان بگیرند.

حمله ارتش ترکیه به منطقه کردنشین شمال سوریه یک اقدام فاشیستی، نژادپرستانه و ضد هر نوع ارزش انسانی است. انتظار از مردم آذربایجان، بخصوص نسل جوان و مرفعی، این است که در استادیوم های ورزشی شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه سر دهند و نشان دهند که آنها نه با مرتجعین و فاشیستهای حاکم بر ایران و ترکیه بلکه با آن مردم مرفعی دنیا همصدا هستند که روز شنبه ۲ نوامبر برابر با ۱۱ آبان در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان به خیابانها آمدند و حمله اردوغان به کردستان سوریه را محکوم کردند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ نوامبر ۲۰۱۹، ۱۱ آبان
۱۳۹۸

کمکهای مالی به حزب در هفته گذشته:

سوسن صابری ۳۰۰۰ کرون
مصطفی صابر ۷۰۰۰ دلار

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان صدای اعتراض به بیحقوقی زنان باشیم

قوی‌تر، مصمم‌تر و پرستوارتر از هر وقت به راه خود ادامه می‌دهد! کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از شما آزادیخواهان دعوت می‌کند تا در روز ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت بر زنان یک صدا برای آزادی بی‌قید شرط مدافعین حقوق زنان از زندان و علیه خشونت بر زنان دست به اعتراض بزنید. به مناسبت این روز جهانی از شما دعوت می‌کنیم با ارسال یک پیام صوتی و یا تصویری در این روز اعتراضی شرکت کنید.

پیامهای خود را میتوانید از طرق زیر برای ما ارسال دارید

Facebook/
IranZendaniSiasi
Telegram:
@CFPPI2018
Instagram: CFPPI
Twitter: @IranCfppi
Email:
cfppiiran2006@gmail.com

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۵ آبان ۱۳۹۸، ۶ نوامبر ۲۰۱۹

محرومیت اجتماعی و امنیتی کردن مطالبات به حق برای رهایی و آزادی زن هیچکدام نتوانست این صف مقتدر را به عقب نشینی وادارد. از خیابانها تا محل کار به میدان نبرد و رویارویی با مأموران وحشی حکومتی بدل گردید. نزدیک به بیش از بیست وزارت و نهاد امنیتی و لشگری و کشوری در جنگ برای تحمیل حجاب اجباری بارها به شکست خود اعتراف کردند. خشونت علیه زنان را حکومتی با تکیه بر ارتجاعی‌ترین احکام و سنن نوشته و نانوشته، به قوانین جزایی، کیفری و اجرایی کشور بدل کرد و تا هویت حکومتی خود را احراز کند! اما هرگز موفق نشد زنان را به کنج خانه براند و ساکت کند! این توحش و انسان ستیزی، این زن آزاری سازمان یافته حکومتی، هزینه سنگینی بر جامعه تحمیل کرد. هزاران زن به جرم دفاع از حقوق پایه‌ای خود دستگیر و شکنجه و به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند. به بدترین نحو ممکن حتی از ملاقات با فرزندان خردسال خود، از دریافت دارو و درمان هم محروم شدند! اما مبارزه برای برابری و آزادی زن،

مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده زنان بخش بزرگی از جدال مردم ایران با جمهوری اسلامی است. مبارزه‌ای به طول عمر پر نکبت حکومت اسلامی علیه اعمال خشونت بر زنان. اولین پایه‌های حکومت اسلامی با حکم و فتوا علیه آزادی زنان شکل گرفت و از همان آغاز حکومتی به تمام معنا زن ستیز، سپر به سپر با اعتراض زنان روبرو شد! مبارزه‌ای به گستره همه جامعه در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نام آزادی زنان و علیه خشونت سازمان یافته حکومتی، شجاعانه و با جسارت تحسین برانگیز، در جدال با همه قوانین و سنن ارتجاعی تحمیلی جمهوری اسلامی اعلام حضور کرد. علیه آپارتاید جنسی، علیه حجاب، حق حضانت، چند همسری، ازدواج کودکان، خانه نشین کردن زنان و علیه نابرابری زن و مرد، در جبهه‌ای به وسعت جامعه این مبارزه همچنان پیش می‌رود. جمهوری اسلامی بارها و بارها شکست خورده و عقب رانده شده است. بارها اعتراف کرده است که نه اسید پاشی و زندان و شکنجه و

طناب دار در مراسم چهلمین روز گرامیداشت روزگار زندی به آتش کشیده شد



مراسم چهلمین روز گرامیداشت روزگار زندی که روز ۹ مهر ۱۳۹۸ توسط جمهوری اسلامی در شهر سمنان به دار آویخته شد به نمایشی علیه اعدام تبدیل شد. در این مراسم که در مزار شهرک ننه برگزار گردید، طناب دار به نشانه مخالفت با اعدام بطور سمبلیک به آتش کشیده شد. پدر و مادر روزگار زندی ضمن تشکر از ابراز همدردی مردم و تلاش آنها برای نجات جان روزگار بر مبارزه علیه اعدام تاکید کردند و بویژه از خانواده‌هایی که به قوانین جنایتکارانه قصاص پشت کرده و با گذشت و بخشش از مرگ انسانهای بیشتری جلوگیری می‌کنند، قدردانی کردند. روزگار زندی به هنگام اعدام تنها ۲۷ سال داشت و پدر یک فرزند بود. او متهم شده بود که در یک نزاع خانوادگی فردی را به قتل رسانده است. علیرغم تلاشهای گسترده مردم شهر سمنان برای نجات جان روزگار زندی، متأسفانه این جوان روز ۹ مهر ۱۳۹۸ توسط رژیم جنایتکار اسلامی اعدام شد. آتش زدن سمبلیک طناب دار

در مراسم یادبود روزگار نشان می‌دهد که علیرغم جنایت پیشگی جمهوری اسلامی، مردم هر چه بیشتر نفرت و انزجار خود را از اعدام و جنایات دولتی اعلام می‌دارند و خواهان لغو این مجازات ضد انسانی هستند. زنده باد جنبش ضد اعدام در ایران
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ آبان ۱۳۹۸ -
۷ نوامبر ۲۰۱۹
تلفن تماس: هرمز راه
0046737896505
صفحه فیس بوک:
<https://www.facebook.com/icaeiran/?ref=bookmarks>
کانال تلگرام:
t.me/no_execution1



زنده باد سوسیالیسم!